



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

22 جولای 2019

قیس کبیر

آخرین جواب من به نوشته آقای معروفی در وبسایت "آریانا افغانستان"

آقای معروفی باز هم به همان سبک لُچک ها و قمار بازان کوچه "عاشقان عارفان" کابل مقاله جهت انتقامگیری از وبسایت از هر نگاه موفق "افغان جرمن آنلاين" نوشته و در وبسایت آقای نوری صاحب به نشر سپرده است. چون حوصله مقاله نویسی را به این آدم بدبخت و کینه توز و بیکار ندارم، به جواب مقاله اش برای آخرین بار با آوردن نقل قول هایش ماده وار می نویسم- اینهم به خاطریکه شاید بلاخره از سر من دست بردارد و در چند روز آخر عمرش عوض تحریککاری، لااقل با خودش در صلح و صفا زندگی کند. نقل قول ها از نوشته معروفی تحت عنوان "انجنیری و درک از تخنیک" در سایت "آریانا افغانستان..." به رنگ آبی نوشته شده است. تبصره های من به رنگ سیاه.

- آقای معروفی با سبک مرزا قلمی همیشگی خود و به زبان قمار بازان و بودنه بازان لُچک کوچه "عشقان عارفان" کابل چنین می نویسد:

"همان قسمی، که حدس میزدیم، مقاله من به گرونج "افغان جرمن" خورد. = اصطلاح قماربازان و انواع جنایتکاران فعال و بگیل دیگر.... = اصطلاح بودنه بازان

پس میگذارم، که خود دامن خود را بالا کرده و مخفیگاه خود را بدرند!!! الفاظ رکیک لُچک های کابل "طوس از مقعدش میکشتم" = زبان لُچک های کوچه بازاری

معروفی زمان آقای نوری، آقای عطائی و مرحوم هاشمیان را با عین الفاظ و دشنام ها توهین میکرد، اما حالا با همه بی غیرتی به لانه آقای نوری پناه برده است. آقای نوری هم به خاطر کدورت که هنوز مقابل افغان جرمن آنلاين در دل دارد، ازین کودن علیه ما سواستفاده میکند. این کودن هم در بدل پناه دادن نوری تمام روز از درون کنده خود علیه ما خون استفراق میکند.

- معروفی در چهارونیم صفحه نوشته خود دو صفحه آنرا در وصف وبسایت "افغانستان آزاد" مصرف کرده است. وبسایت که آبرویش را بین عام و خاص از بین بُرد و خودش را مانند آشغال به بیرون ریخت. اینهم نمونه از طرز تفکر رادیکال داعشی، اما در عین زمان پیرو مائو تسه تونگ، که وبسایت دالخواه خود را تا مرز قدسیت بالا میبرد و پرستش میکند، و منتقدین آنرا اگر به طبقات زیرین جهنم داعشی فرستاده نمیتواند، به گوانتاناموی امریکائی میفرستد. چون ذهن رادیکال و بُر از خوشنوشش هنوز هم تسکین نمی شود، حتی هویت افغان بودن منتقدان را به امر دیکتاتورمآبانه خود مصادره میکند. به جملات ذیل رادیکال داعشی نگاه کنید. اگر این آدم قدرت میداشت، سر مرا به سبک داعش با کارد از تنم جدا میکرد:

"حالا اگر کدام "ناافغان" احمقی پیدا شود، که نام "افغان جرمن آنلاين" را بر نام "افغانستان آزاد آزاد افغانستان" که از سر تا پایش نور قدسیت میبارد ترجیح بدهد، چنین شخص مرتجع و واپسگرای را باید به "گوانتانامو" فرستاد؛ اگر "اسفل السافلین" و "تحت السقر" مُیسّر نباشد!!!"

- نمونه دیگری از افراطگرایی یک "چپی" افراطی که عقل خود را از دست داده است:

"اگر بر فرض مُحال قرار شود، که "ای کیو IQ" و "یا" ضریب ذکاوت" اینان ["کلانکار های افغان جرمن"] را تثبیت کنند، گمان نکنم، که ایشان رقمی بالاتر از "صفر" برده بتوانند. " این "صفرمشریان..."

امر که نه از نگاه علم بیولوجی و نه از نگاه علم روانشناسی و نه از نگاه منطق انسانی امکان پذیر نیست. کسیکه ضریب آی کیو ذکاوتش ضریب صفر باشد، شاید یک انسان صد در صد معلول باشد، که نه حرف به زبان آورده بتواند و نه سطر روی کاغذ، چه رسد که فاکولته انجنیری را در آلمان به اتمام برساند و در زمینس اجرای وظیفه نماید و وبسایت به این بزرگی و قاموس کبیر افغانستان را اداره کند.... اما "عقل عالم" معروفی بالای دیگران

این امر مطلق را صادر میکند. اینجا سوال خلق میشود، که آیا خود این جناب به مریضی الزحایمه گرفتار شده است و آی کیو خودش دارد، روز به روز به تقلیل میرود؟
- مرزا قلم صاحب ادامه میدهد:

"شاید سؤالی در ذهن بعض کسان خطور کند، که اگر پورتال "افغانستان آزاد آزاد افغانستان" این همه خوبیها و ید بیضا را دارد، پس چرا "خلیل معروفی" همکاری خود را ازین پورتال دریغ میوزد؟؟؟ جواب این سؤال را حتماً روزی خواهم داد؛ اگر عمری باقی بود!!!"

مرزا قلم صیب، "شاید" نه، بلکه اصل سوال که چندین مرتبه مستقیماً و خیلی واضح مطرح شده است، همین است!!! (به تقلید از سوالیه ها و ندایه های بر ده بر خودت)، که اگر آن وبسایت آنقدر عالیست، که منتقدین آنرا به گوانتنامو می فرستی و هویت افغانی شانرا مصادره میکنی، پس چرا خودت در آنجا نیستی و سرگردان سایت دیگر شدی؟ چون دلیل گریزت را همه میدانند، یعنی ریختن آبروی که برایت باقی نمانده است، پس از بستر نزع توان اعتراف را نخواهی داشت، زیرا اعتراف تمام لاف زدن هایت را در باره وبسایت دلخواهت در یک لحظه خنثی میسازد.

اما یک تذکر جانبی: ایا این خودش نشانه از مریضی یک مسوخیست (خود آزار) نیست، که از صبح تا شام برای کسانی مدح و ثناء میسراید، که آبرویش را به زمین زده اند، خودش را از درگاه خود رانده و احتیاج رقیبان قدیمی اش ساخته اند؟ گرچه خودم از علم روانشانی چیزی نمیدانم، به معروفی توصیه میکنم، که در نشست آینده با روان شناس معالجش حتماً در باره این مشکل خود صحبت کند.

- معروفی مرزا قلم، مکمل یک صفحه مقاله خود در رابطه با دیپلوم و وظایف یک انجنیر اختصاص داده و توانائی هایش را بحیث انجنیر برجسته ساخته است و در مقایسه گرفته است. در جواب فقط میگویم: دیپلوم انجنیری که بعد از فراغت فاکولته حتی یک روز هم در رشته تحصیل خود کار نکرده است، بلکه تمام عمرش را بحیث فروشنده در بخش چراغ های یکی از فروشگاه های برلین به نام مخفف (KaDeWe) به پایان رسانیده است، با دیپلوم انجنیری که در بزرگترین دستگاه صنعتی آلمان مانند زیمنس Siemens کار میکند، قابل مقایسه نیست.

- معروفی بالای مستعار نویسان خیالی خودش خیلی پافشاری دارد، اما فراموش کرده است، که خودش نیز زمان مقاله هایش را به نام مستعار در وبسایت افغان جرمن آنلاین نشر میکرد، تا یکی از مقاله هایش سهواً توسط همکاران ما به نام اصلیش نشر گردید. بعد چه حال نبود، که بر سر آن بیچاره نیامورد؟
- معروفی مرزا قلم در مورد آزادی بیان در سایت دلخواهش چنین می نویسد:

"در پورتال "افغانستان آزاد آزاد افغانستان" مطالب رسیده قبل از نشر از هر نگاه مورد بررسی قرار میگیرند و تنها مطالبی اجازه اشاعه مییابند، که به مصالح ملی وطن و مردم ما و عالم انسانیت سازگار باشند."
در اخیر این نوشته به طور نمونه دشنام های را از مقاله های که "به مصالح ملی وطن و مردم ما و عالم انسانیت سازگار" است و "قبل از نشر از هر نگاه مورد بررسی قرار" گرفته شده است، از نظر خوانندگان میگذرانم. تمام این دشنام ها را فقط از سه مقاله یکی از نویسندگان چپی وبسایت "افغانستان آزاد" کاپی کرده ام، که نویسنده آن پیرو مائو و مخاطبانش یک چپی طرفدار خط انور خواجه (رهبر حزب کمونیست البانیا) و دو نفر بیچاره دیگر میباشند.

این مقاله ها زمان نشر شده است، که معروفی هنوز افتخار عضویت آن وبسایت را داشته و حتماً وظیفه ویراستاری و تصحیح املاء و انشای این دشنامنامه ها را به عهده داشت - وظیفه که مرزا قلم ما خیلی بالای آن افتخار میکند. دشنام های لچکانه و قمارباز مشرب خودش ("مخفیگاه خود را بدرند!!! طوس از مقعدش میکشم") که بعضاً از قلمش به خطا میرود، با دشنام های که در اخیر این مقاله میخوانید، خیلی همخوانی دارد، و از فرهنگ حاکم در وبسایت دلخواه معروفی نمایندگی میکند.

با وجود که ما مقاله ها و نظریات نویسندگان خود را "از هر نگاه مورد بررسی قرار" نمیدهیم، یعنی کلمه به کلمه مانند رژیم های کمونیستی و سایت دلخواه معروفی صاحب سانسور نمی کنیم، از تصورم دور است، که نویسندگان یا پیامگذاران محترم ما خدای ناخواسته تا این اندازه نزول شخصیت نمایند.

بقیه سخنان معروفی مرزا قلم سخنان پیره زن است، که در کنج بام نشسته و از جوانی های بر باد رفته اش با آه و افسوس قصه میکند (با همه احترام به پیره زنان) و یا مانند غیبیگران است، که از بدبختی و حسادت زیاد از مشکلات دیگران خوش میشوند و دست آور های دیگران کم ارزش می خوانند.

در آخر به آقای معروفی میگویم، که قرار گفته یکی از پسرانت "من ترا می بخشم، اگر خدا ترا ببخشد. دشنام های که توسط معروفی صاحب "از هر نگاه مورد بررسی قرار" گرفته شده و در وبسایت "افغانستان آزاد" نشر شده است. بخوانید و تعجب نمائید!

دیوانه کون/ نامرد بی غیرت/ زیر چادری بوبویت/ هم چو سگ تر شده بی دم می جفی، عف و جف و عف زده و قوله می کشی و به قبر هفت پشتت می شاشی! / پست فطرت عاری از شرف و فاقد وجدان / تو گُچک (جلمبور)

/ سرخاب و سفیداب زده و با بستن زنگ و جامن شرنگ شرنگ کرده / یعنی درد ک .. را از شقیقه می کشی و
ارضاء می شوی / تو کودن (لبروک و قروک) / تو کثافت لافوک و پفوک/ کاراته باز/ شادباز / حرکت بی
ناموسانه / توله سگ های وامانده / مگس های روی بیت الخلاء / از زیر چین باداران و چادری چیندار، چادر
گلنار و حجاب نه نه ها و خاله ها و عمه هائی تان بیرون شوید / اگر دو دست به سینه و دو زانو در خاک نزی و
توبه نکنی و معذرت نخواهی رهایت نکرده و رسوای زمانه ات می سازم. / هنگ می زنند/ عرعر می کنند/ در
گوش خر یاسین خواندن / خران وحشی و خرس های قطبی / افسار گسیختگانی که در مسابقه خرگری / خرخره به
دست گرفته اید و نشیمنگاه او را می خارانید؟ / مغز خر خوران به عرعر نامه های/ از یک پاچه گوز زده /
دیوانه پلید، (پچل پتین) / چوچه سگهای پاچه گیر/ الاغ زاده مرکب پیر و خر صفت که روزگاری را هم چو
همپاله هایش "آذر خیاط" و "رئیس بانک" به سینه می خوابید و از آن بابت برای فاعلین پول می پرداخت / هم
چنان نقش "رحیم غلام بچه" را برای آن مرحومی و رفقاییش بازی می کرد./ زنازادگان و حرامزادگان / بل خر
وحشی می باشد که با خوک سیاه وحشی قرابت دارد / این موجود کثیف ، شرور و خارشتی / کشاد/ این زالو
صفت زیر پاره و چشم سفید / تو بی ناموس انگلی / بچه بی ریشان / تو ناموس و جوهر مردانگی ات را در نو
جویی ارزان فروختی / دُردانه های مؤنث و مذکر نیز ناموس هایشان را به طور دلخواه ، برای هوسبازان
پیشکش نمودند / خارشتی آتشی از قماش "رئیس بانک" و "آذر خیاط" / همچو روسپی با تجربه و چشمپاره ، از
این آغوش به آن آغوش غلتید / یک ضبط احوالاتی گ-ز-و-ک، را که از شرشر پیاز و شاشه دراز، می ترسد /
نسل روسپیان / در ارواح پدر و جد و اجداد دروغگو، سگ های دیدو و ولگرد "هندوگذر" بشاشد....